

بی نیل و متابع و می باشد اندر بایستهای محال و بی که این  
 حریفش منتظران است چنان بایست آید بهار را بدید  
 بسته و او کردن و بایرگاه مسافین **عجوانی** و بر با هجت  
 منتظران چکار باشد و گویند جنبه رخصی است با محراب  
 جهم الله بکرم را فنی نشسته و او را مسافری اندک شد و نصیب  
 تلفات که اوله می پیش آورند و می گفت بخیرین مافلان  
 خبر بستی جنبه گفت ترا ببار را بدید که تو مرد سوار آید از این  
 مساجد و صوامع و فنی من نزد مشرق و بیدار شمس قصد زار است

[illegible]

مولانا  
محمد  
حسین

# کشف المحجوب

من حنیف

حضرت علی بن عثمان بخاری  
العرفت بآقا الخلیفۃ المسیح

— شائع کردہ —

الراج میاں کی فخریہ چھاپہ دہلی ۱۳۲۵ھ  
۱۹۰۶ء

باید خواست تا عالم به شود و آن دیگر گفت که مرا حوائج بسیار بود  
باید چون بنزدیک وی رسیدیم فرموده بود تا بخود می نوشتن بودند  
از اشعاره مناجات حسین پیش من نهادند و دست بر شکم  
در ویش مالیده طحال و بی کم شده و آن دیگر را گفت **حاجو ای صابونی**  
**خدا ای خوانان بود و تو لباس اولیاداری لباس اولیاداری**  
**خوانان** رست نیا بد از دایمی اختیار کن و در جهه تقیم را جز رعایت  
انکس واجب نباشد که او رعایت حق مشغول باشد و بار که



سلف را و عالمی پس آورد و می گفت بجز این مرا فلان  
چیز نیستی چنانکه گفت ترا بازار را بدیده که تو مرد اسوانی نه از آن  
مساجد و صوامع و فنی من از دشمن با درویش قصد زیارت  
بنی المصطفی کردیم و وی بر شارب می بودند اندر او با یکدیگر گفتیم  
ما هر یکی را با خویشین واقعه که داریم باید اندیشید تا آن که بهر  
ما را خبر دهد و واقعه ما حل شود من با خود گفتم که مرا از وی خبر  
و مناجات حسین بن منصور باید خواست و آن بی گفت  
باید خواست تا عالم به شود و آن دیگر گفت که مرا صوابی بود  
باید چون نزدیک ای رسیدیم فرموده بود تا خودی نوشته بود